



حکایت قصر

از قاجارتا پهلوی
محمدجواد مرادی نیا

مرادی نیا، محمد جواد، - ۱۳۴۵	سرشناسه
حکایت قصر از قاجار تا پهلوی / محمد جواد مرادی نیا.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: نگاه، ۱۳۹۷.	مشخصات نشر
۴۲۴ ص: مصور.	مشخصات ظاهری
۹۷۸-۶۰۰-۳۷۶-۴۳۴-۷	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
کتاب حاضر نخستین بار با عنوان «زندان قصر از آغاز تا فوجام» توسط انتشارات موسسه فرهنگی هنری سپیده ماندگار ایرانیان در سال ۱۳۹۷ فیبا دریافت کرده است.	داداشت
زندان قصر از آغاز تا فوجام	عنوان دیگر
زندانیان سیاسی -- ایران -- خاطرات	موضوع
Political prisoners -- Iran -- Personal narratives	موضوع
قصر(زندان) -- تاریخ	موضوع
Qasrprison (Iran) -- History	موضوع
ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۵۷- ۱۳۲۰ -- زندان و زندانیان	موضوع
1941-1978 -- Prisoners .Iran -- History -- Pahlavi and prisons	موضوع
الف ۱۳۹۷/۴۳۹ DSR ۱۵۴۴/م	رده بندی کنگره
۹۵۵/۰۸۲۴۰۹۲۲	رده بندی دیوبی
۰۰۷۹۶۳۱	شماره کتابشناسی ملی

حکایت قصر

از قاجار تا پهلوی

دکتر محمد جواد مرادی نیا



مؤسسه انتشارات نگاه
 «تأسیس ۱۳۵۲»

حکایت قصر

از قاجار تا پهلوی

دکتر محمد جواد مرادی نیا

ویرایش: دفتر انتشارات نگاه

صفحه‌آرایی: اکرم زنوبی

چاپ اول: فروردین ۱۳۹۸ - شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: اطلس چاپ - چاپ: پارمیدا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۷۶-۴۳۴-۷

حق چاپ محفوظ است.



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای راندارمری،
بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵
تلفن: ۰۲-۶۶۹۷۵۷۱۱ - ۰۷-۶۶۹۷۵۷۰۷

negahpublisher@yahoo.com

● www.negahpub.com ● negahpub ● newsnegahpub

فهرست مطالب

۱۱.....	مقدمه
فصل اول: قصر در عصر قاجار.....	
۱۷.....	بنای قصر.....
۲۱.....	قصر قاجار از نگاه جهانگردان.....
۲۶.....	قصر در عصر محمد شاه.....
۲۸.....	قصر در عصر ناصرالدین شاه.....
۳۴.....	قصر در سال‌های پایانی دوره قاجاریه.....
فصل دوم: قصر در عصر پهلوی اول.....	
۳۹.....	قصر در عصر رضا شاه.....
۳۹.....	مقدمات تأسیس زندان قصر.....
۴۲.....	افتتاح زندان قصر.....
۴۴.....	نخستین زندانیان سیاسی قصر.....
۴۷.....	نصرت الدوله فیروز.....
۵۲.....	سید جعفر پیشه‌وری.....
۵۷.....	فرار سید فرهاد.....
۵۹.....	مرگ محمد باقر صادق پور.....
۶۰.....	نخستین اعتصاب غذا.....
۶۲.....	اعدام علی مردان خان بختیاری.....
۶۵.....	قتل اسماعیل خان قشقایی.....
۶۸.....	قتل تیمورتاش.....

۷۹.....	قتل جعفرقلی خان سردار اسعد بختیاری
۸۶.....	حبس گوهرشادی‌ها
۸۸.....	بازداشت گروه موسوم به ۵۳ نفر
۹۴.....	اعتصاب غذای گروه ۵۳ نفر
۱۰۲.....	حبس و مرگ محمد فرخی یزدی (شاعر)
۱۱۱.....	مرگ دکتر تقی ارانی
۱۱۶.....	کشتن امیر بنان
۱۱۷.....	تیرباران سرباز جهانسوزی
۱۱۹.....	قتل خان باباخان اسعد
۱۲۲.....	سردار رشید کردستانی، دبیر اعظم، دشتی و حبیب الله رشیدیان
۱۲۷.....	کشتن شیخ غضنفری
۱۳۲.....	زندان قصر در آینه اشعار ملک الشعراًی بهار
۱۳۴.....	دیگر وقایع قصر
۱۳۵.....	فصل سوم: قصر در عصر پهلوی دوم
۱۳۵.....	دهه‌های بیست و سی
۱۳۵.....	شورش در قصر و عفو عمومی زندانیان
۱۴۲.....	افزایش تعداد زندانیان
۱۴۹.....	مشاغل در زندان قصر
۱۵۶.....	فارسaran حزب توده از زندان
۱۶۰.....	福德ائیان اسلام در قصر
۱۶۵.....	تشکیل «جمعیت ستمدیدگان دوره دیکتاتوری رضا خان»
۱۶۶.....	انتقال افسران بازداشتی حزب توده به قصر
۱۶۹.....	اعدام شش تode‌ای دیگر در قصر
۱۷۰.....	شعراء و نویسنده‌گان در قصر
۱۷۰.....	علی محمد افغانی

۱۷۲.....	احمد شاملو
۱۷۴.....	مهدی اخوان ثالث
۱۷۷	تصویر قصردهه سی
۱۷۹	دهه چهل
۱۸۰.....	امام خمینی در زندان قصر
۱۸۳	۱۵ خردادی‌ها
۱۸۵.....	انجمان‌های اسلامی و اعضای نهضت
۱۹۱.....	ضاریان حسنعلی منصور
۱۹۷.....	حزب ملل اسلامی
۲۰۱.....	جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)
۲۰۳.....	زندانی‌های مستقل
۲۰۸.....	دیگر وقایع دهه ۴۰
۲۰۸.....	بی‌اعتنایی به مراسم دولتی و اهتمام به آئین‌های غیردولتی
۲۱۰.....	نامه به سازمان‌های مدافعان حقوق زندانیان سیاسی
۲۱۶.....	فرار ناکام چند زندانی، بهانه‌ای برای تشدید محدودیت‌ها
۲۲۲.....	اعضای کمیسیون حقوق بشر
۲۲۸.....	ترکیب زندانیان زندان شماره ۳ در آخر دهه چهل
۲۳۱.....	دهه پنجماه
۲۳۴	اعتصاب زندانیان زندان شماره ۳
۲۳۴	سال ۱۳۵۱
۲۳۷.....	سال ۱۳۵۲
۲۴۶.....	گوهه ابوذر نهادوند
۲۴۹.....	سال ۱۳۵۳
۲۴۹.....	شهادت آیت‌الله حسین غفاری
۲۵۲.....	انتقال چند زندانی از قصر و تیرباران آنها

۲۵۴.....	کم شدن فشار بر زندانیان در ۱۳۵۵
۲۵۹.....	بازدید نماینده‌گان سازمان صلیب سرخ از زندان
۲۶۴.....	۱۳۵۷؛ سال رهایی
۲۶۶.....	رهایی
۲۶۹	جای‌جا شدن جای زندانی و زندانیان
۲۷۱.....	اعدام سروان ژیان‌پناه
۲۷۲	محاکمه و اعدام هویدا
 فصل چهارم: زندان زنان، برنامه‌ها و سرگرمی‌های زندانیان	
۲۸۱.....	زندان زنان
۲۸۱.....	اداره بند زنان
۲۸۵	نگهبانان زندان زنان
۲۸۹.....	برنامه‌ها و سرگرمی‌های زندانیان
۲۹۰	ورزش
۲۹۳	مطالعه و کتاب خوانی
۲۹۷	کلاس‌های آموزش و سخنرانی
۲۹۹.....	تألیف و ترجمه
۳۰۱.....	عبدات و آیین‌های مذهبی
۳۰۷	سایر برنامه‌ها
 پیوست‌ها	
۳۱.....	تیمورتاش در زندان
۳۱.....	داستان فارسید فرهاد از زندان قصر
۳۱۶.....	نقشه فرار
۳۱۸	به جای سید فرهاد کی‌ها را زندانی کردند
۳۲۲.....	برخی اصطلاحات رایج در بین زندانیان قصر
۳۲۴	

۳۲۹.....	کتابنامه
۳۳۷.....	نشریات
۳۳۹.....	گفتگو
۳۴۱.....	نمایه‌ها
۳۴۱.....	اسامی اشخاص
۳۵۳.....	شهرها و کشورها
۳۵۵.....	اماکن شهری
۳۵۶.....	ادارات و سازمان‌ها
۳۵۸.....	احزاب و گروه‌ها و اقوام
۳۶۰.....	وقایع و رخدادهای تاریخی
۳۶۱.....	کتاب، روزنامه و مجلات
۳۶۲.....	متفرقه
۳۶۳	استناد و تصاویر

مقدمه

آنچه پیش رو دارد یک تاریخ زندان قصر تهران است؛ نخستین و بزرگ‌ترین زندان مدرن ایران که مارکوف، سازنده و معمار آن بود و در ۱۳۰۸ش به دست رضا شاه افتتاح گردید، زندانی که در خلال حدود هشت دهه عمر خود وقایع گوناگون و بعضًا بالهمیتی را از سرگذراند. زندان قصر از روزی که گشوده شد تا روزی که مهرا بطال برپیشانی اش خورد، حضور افراد مختلفی را در زوایا، بندها و سلول‌های خود شاهد بود؛ افرادی که گاه در شمار تاریخ سازان وطن نیز به حساب می‌آیند. در مطالعه تاریخ زندان قصر، در کنار زندانیانی از جنس خلاف و خطأ (که همیشه و همه‌جا بوده‌اند و هستند) مردان و زنانی نیز محبوس بودند که هریک در روزگار خویش سودای جامعه‌ای بهتر از آنچه در آن می‌زیستند را در سرداشتند و در تلاش برای رسیدن به جامعه مطلوب و آرامانی خویش، گرفتار بند و زندان و زندانیان شده، گذرشان به قصر افتداد. اینان که نام سیاسی بر جبین‌شان حک شده است به اشاره و احراز و گروه‌های گوناگون تعلق داشتند؛ گروه‌هایی که وجه مشترک همگی آنها مخالفت و مبارزه با رژیم پهلوی بود. در نگاهی به فهرست بلند بالای احراز و گروه‌های سیاسی که از دوره رضا شاه تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، نامشان به وفور در راه روهای زندان قصر شنیده شده است می‌توان به این

دسته‌ها و احزاب اشاره کرد: گروه ۵۳ نفر، حزب توده، فرقه دمکرات، فدائیان اسلام، گروه‌های جبهه ملی، هیأت‌های مؤتلفه اسلامی، حزب ملل اسلامی، سازمان مجاهدین خلق و سازمان چریک‌های فدائی خلق.

البته علاوه بر اعضای دسته‌ها و گروه‌ها، زندانیانی نیز بودند که به هیچ حزب و گروهی وابستگی نداشتند و مستقل‌پای در عرصه مبارزه گذاشته و در زندان نیز استقلال سیاسی خویش را حفظ کردند.

در بررسی فهرستگان نام زندانیان سیاسی پرآوازه قصرنامهای آشنایی همچون محمد فرخی (شاعر)، نواب صفوی، مهندس مهدی بازرگان، آیت‌الله سید محمود طالقانی، دکترید الله سحابی، آیت‌الله شهید حسین غفاری، بیژن جزئی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، محمد حنیف نژاد، آیت‌الله منتظری، شهید حاج مهدی عراقی و سرانجام امام خمینی دیده می‌شود. اینان مردانی بودند که همراه صدھا و هزاران زندانی دیگر در راه عقیده خویش پاره‌ای از عمر خود را در پشت میله‌های زندان قصرسپری کردند.

پس زندان قصر، بی‌تردید، بخشی از تاریخ ماست و برای فهم درست این تاریخ ضرورت دارد که رخدادهای این قلعه و بنای مخوف بازخوانی گردد.

برای بازخوانی و بررسی رخدادهای قصر، امروز منابع و مأخذ فراوانی در دسترس است و جویندهٔ حقیقت می‌تواند با مراجعته به آثار متعددی که در این زمینه، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب پدید آمده، به شناختی اجمالی از موضوع دست یابد؛ هرچند شرح آن چه در قصر، در خلال سال‌ها و دهه‌ها گذشته است هیچ‌گاه به صورت کامل و جامع قابل عرضه نیست. چراکه هزاران زندانی قصر، هریک برای خویش دنیایی و احساساتی داشتند که آن دنیا و احساس تحت شرایط خاص خانواده، جامعه و رنج‌ها و حسرت‌های پشت میله‌های زندان شکل گرفته و به طور معمول کسی یاری ورود به دنیای فکر و ذهن آنان را ندارد. بدین ترتیب روشن است، آن چه به عنوان تاریخ

زندان قصرگفته و نوشته می‌شود تنها می‌تواند بازتاب دهنده بخش ناچیزی از آن دنیای پشت دیوارهای بلند و ترسناک باشد.

نگارنده برای آن که بتواند به همین بخش اندک دست یابد، صدھا کتاب، سند و نشریه را اورق زده و با بیش از سی زندانی پیشین قصر، به گفتگو نشسته است تا آنچه می‌نگارد رنگی از واقعیت داشته باشد و بتواند خواننده را با خود به آن جغرافیا و آن روزگاران ببرد.

کتاب روزنامه خاطرات محمد حسن خان اعتمادالسلطنه

وی از جمله نویسنده‌گان مشهور تاریخ عصر قاجاریه محسوب می‌گردد و از شخصیت‌های شناخته شده تاریخ ایران است که سال‌های عمر خود را در خدمت به دربار قاجار سپری کرد. اعتمادالسلطنه در سال‌های حضور در فرنگ فرانسوی و انگلیسی را به خوبی فراگرفته بود، در بازگشت به ایران رئیس اداره دارالترجمه همایونی شد و به خاطر حضور در دربار شاه و آگاهی از امور کشور، نکته‌های متعددی از پشت پرده تحولات عصر قاجاری را در قالب کتابی با عنوان «روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه» منتشر کرد. کتاب حاوی تصاویر متنوع از شخصیت‌های دوره ناصری و از منابع مستندی است که اخبار مربوط به مملکت داری و آداب مخصوص دستگاه سلطنت ناصرالدین شاه را در اختیار ما می‌گذارد. این اثر آیینه تمام‌نمای وضع سیاسی و اجتماعی ایران در اوایل عصر قاجار است. از این نوشته در کتاب حاضر بیشتر در تأسیس و کارکرد قصر قجر استفاده شده است.

زندان رضا شاه، سید جعفر پیشه‌وری

پیشه‌وری سال ۱۳۰۹ به دلیل عضویت در حزب کمونیست و تبلیغ مردم اشتراکی دستگیر شد و حدود ده سال را در زندان‌های رضا شاه به سر برداشت. در

کتاب حاضر ابتدا متن بازجویی‌ها و محاکمات و دفاعیات پیش‌هوری در دوران یاد شده به چاپ رسیده است و سپس یادداشت‌ها و خاطرات او از دوران زندان آمده است، این کتاب به ویژه برای درک شرایط حاکم بروز زندان قصر در دوره رضا شاه اهمیت دارد. در فصل دوم اثر حاضر نیز این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است.

تاریخ زندان در عصر قاجار و پهلوی، ناصر ریبعی و احمد راهرو خواجه

این کتاب در دو بخش؛ «زندان و زندانیان در عصر قاجار» و «زندان در عصر پهلوی» تنظیم شده است. بخش دوم کتاب که به دوره پهلوی اختصاص دارد، مفصل‌تر از بخش قاجار نوشته شده و تعداد صفحات آن بیش از دو برابر بخش نخست است. در این کتاب تاریخ قضایی و نحوه ایجاد و تطور عدالیه در دوره‌های قاجار و پهلوی مورد بررسی قرار گرفته است با وجودی که این کتاب در نوع خود منبع جامعی است اما با توجه به طول دوره و حوزه مورد بررسی، وارد جزئیات نشده است و در مورد زندان قصر هم به ذکر خلاصه‌ای کوتاه بسنده کرده است.

تاریخ بیست ساله ایران، حسین مکی

این مجموعه هشت جلدی از بسیاری جهات اثرباری منحصر به فرد محسوب می‌گردد. برخلاف نام کتاب، این اثربه شرح وقایع ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۳ (بیست و چهار سال) می‌پردازد. نحوه استدلال، برخورداری از منابع قوی و نیز نشر افشاگرانه از ویژگی‌های کتاب حسین مکی به شمار می‌رود. در این اثر در مورد زندانیان و شرایط حاکم بروز زندان‌ها مطالب ارزشمندی آمده است و نگارنده در فصل دوم کتاب حاضر از مطالب جلد پنجم این مجموعه سود بردé است.

سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران تا پایان دوره رضاشاه، اقبال حکیمیون کتاب به تجزیه و تحلیل تاریخی موضوع «امنیت» و روند تکوین، شکل‌گیری و کیفیت فعالیت‌های تشکیلات و سازمان‌های اطلاعاتی-امنیتی در مقاطع مختلف تاریخ ایران از دوران باستان تا اواخر سلطنت رضاشاه پهلوی پرداخته است. یک بخش از این اثر به مسأله زندان‌ها و زندانیان سیاسی و همچنین اقدامات حکومت رضاشاهی در سرکوب، ارعاب، حبس و قتل آزادیخواهان و منتقدین مذهبی و غیر مذهبی رضاشاه اختصاص یافته است که در این کتاب بیشتر از این فصل استفاده شده است.

خطاطات مرضیه حدیدچی

این کتاب مشتمل بر چهار فصل است. حدیدچی که از شاگردان شهید آیت‌الله سعیدی است پس از شهادت ایشان در سال ۱۳۴۹ به مبارزه و تبلیغ خود علیه رژیم شاه شدت بخشنید و سرانجام در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۳ دوباره زندان افتاد. شاید عمدت‌ترین ویژگی این اثر که موجب تمایز آن از سایر کتاب‌های مشابه می‌شود این باشد که مخاطبان می‌توانند در آینه خطاطات وی، سیمایی جامع از حضور زنان در عرصه مبارزه برای انقلاب و حال و روز زنان زندانی را مشاهده کنند. از این کتاب بیشتر در فصل چهارم اثر حاضر استفاده شده است.

روش و سازمان تحقیق

روشی که برای این تحقیق برگزیده شده، تلفیقی از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی، با رویکرد توصیفی، تاریخی بود، و تدوین آن نیز در سه بخش سازمان یافت: ۱- قصر از تأسیس تا پایان عصر قاجار؛ ۲- قصر از تبدیل به زندان تا پایان دوره پهلوی اول؛ ۳- دوره پهلوی دوم.

در توضیح و تشریح هریک از بخش‌ها، تلاش شده تا علاوه بر مهم‌ترین رخدادهای قصر، برجسته‌ترین رجال و زندانیان آن دوره، فارغ از گرایش‌ها و خط فکری و سیاسی‌شان، نیز معرفی گردد.

گام زدن بر جاده اعتدال و بی‌طرفی و دوری از بزرگ نمایی و کوچک نمایی، دغدغه جدی نگارنده در معرفی افراد و رخدادها بوده است، و امید است این اهتمام به نتیجه مطلوب رسیده باشد.

به هر روی، تاریخ زندان قصر را با مسامحه می‌توان روایتی از مبارزات سیاسی ایران در دوره پهلوی نیز دانست و با مطالعه آن، به شناختی اجمالی از چند و چون آن مبارزات دست یافت.

محمد جواد مرادی نیا

۱۳۹۱ بهمن

بنای قصر

«قصر قاجار» یادگار دوره فتحعلی‌شاه، دومین پادشاه سلسله قاجار است که از ۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ هق برایران حکم راند. این همان سلطانی است که ایران بزرگ را از آقامحمدخان، بنیان‌گذار سلسله قاجار تحویل گرفت و ایرانی کوچک‌تر را به جانشین خود محمدشاه تحویل داد؛ ایرانی که داغدار جدایی سرزمین‌های ارزشمندش در قفقاز و حاشیه دریای خزر بود.

قصر قاجار در ۱۲۱۴ هق (۱۱۷۲ م) در مزارع پیرامون روستای خرمآباد از بیلاقات شمال تهران ساخته شد؛ محلی که تا پیش از آن و در دوره آقامحمدخان، اردوگاه لشکریان پادشاه بود؛^۱ لشکریانی که همیشه در حالت آماده باش و حرکت به سوی میدان‌های نبرد به سرمی برداشت.

۱. یکرنگیان، سید حسین، سیری در تاریخ ارتش ایران (از آغاز تا پایان شهریور ۱۳۲۰)، تهران، خجسته، ۱۳۸۳، ص ۳۰.

فتحعلیشاه قاجار در ۱۲۱۴ق زمین قصر را که عبارت از «شش دانگ بستان خرم آباد و قریه مربوطه» بود، از «محمد جعفر» نامی به قیمت ۲۰۸ تومان خریداری کرد^۱ و سپس با تبدیل آن به باغ و عمارتی نیکو، تقریح گاه و عشرتکده‌ای بزرگ پدید آورد. نویسنده تاریخ صاحبقرانی در ذیل «وقایع سال هزار و دویست و چهارده که سال سیم جلوس است» با اشاره به قرار یافتن «رأی بی قصور خسرو کسری غلام» بر ساختن «قصر و باغی که نمونه بهشت عدن و مثابه جنت باشد» نوشته است: «در طرف شمال طهران به مسافت نیم فرسنگ تل بزرگی را با سطح طولانی که در دامن تل بود به عرض قبله عالم، بتایان ستمار توان درآوردن. طرح باغی و عمارتی موسوم به قصر قاجار به ساعتی لایق و وقتی مبارک مقرر شد. از انواع گل‌ها و میوه‌ها و سروها و درخت‌های مُتمَّر در آن باغ قصر غرس کردند. عمارتی در بالای تل مشهور، از برج و حصار مملو از گل و چنار و ایوان و حمام و خلوت و کوشک‌های رفیع، جمیع با درهای خاتم و امکنه‌های بدن‌نما که بدل آیینه جهان آراست به کار رفته، اغلب ایوان‌های آن منقوش و اکثر خانه‌های آن مفروش». محمود میرزا قاجار، درادمه به توصیف بناهای موجود در محدوده قصر پرداخته و از عمارت مشهور به سردر در ابتدای باغ قصر، رواق و باغی دلگشا «که نمونه باغ نگارستان است و مشابه به عمارت جنان، موسوم به کلاه فرنگی» یاد کرده است. به نوشته او «باغ به جهت پستی و بلندی، مراتب به هم رسانده، در هر مرتبه افکنی و از برای اهل عیش مأمنی باشد. در انتهای باغ، سردری و سردمی موجود است».^۲

۱. سوانح ثبتی زندان قصر، اداره کل قوانین و امور حقوقی ناجا، نامه شماره ۱۲/۳۰-۲۵۱، ۱۳۷۰/۷/۲۹.

۲. قاجار، محمود میرزا، تاریخ صاحبقرانی، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۲۶.

عبدالرزاق دنبلي هم با اشاره به اقتضای «رأى جهان آرای پادشاهی» بر ساخت «باغی چون باغ خُلد برين، مشحون به انواع اشجار و رياحين» و «سرابي دلگشا» در «قطعه زميني غبراً آگين در نيم فرسخ شهر طهران» نوشته است: «حكم قضا امضاء نافذ گشت تا بنایان و باغبانان اظهار هنر کنند و بر حسب امر همایون در ساعتی چون روزِ نیک بختان میمون، به بنای باغی چنان که فروغ گل های آن آتش به جان جنان زده و لطافت آب روانش آبروی چشمِ حیوان برد، پردازند».

به نوشته او «چون سطوح بعضی قطعات مستوی نبود، پستش به خاک بیخته انباشته، و بلندش چندان که با قرینه مساوی شود برداشته و انواع اشجارِ فواكه و ثمار و الوان نهال و ریاحین و ازهارِ موسم خزان و بهار در هر قطعه کاشته و بر بالای آن، عمارتی دلگشا و سرابی بهشت آسا مشتمل بر برج استوار و شرف و کنگره پایدار ساخته شد و در برابر ایوان، دریاچه وسیع که چون چشمِ خورشید از میان آن چشمِ آبی در فوران بود و آبش روشن تراز آینه آسمان است، احداث گردید».^۱

صاحب اکسیر التواریخ نیاز جمله نویسنده‌گانی است که خبر از «حكم شهریار ذوالقدر» بر «حفر کوهی در شمال طهران» و بنیاد نهادن «عمارتی وسیع مبني بر هفت طبقه، مسمی به قصر قاجار» داده و چنین با احترام از آن یاد کرده است: «قصر عليه تَحَيَّتِ السَّلَامِ، خلعت عليه جمالها الا يام». وی با چرخاندن قلم خویش بر مدار اغراق و غلو، مدعی شده است که قصر «الحق قصری است که دیده چرخ پیر نظیرش ندیده و هنوز از تماشای او سیر نگردیده و طراز صحن اش غیرت افزای ذات العماد و کنگره ایوان

۱. مفتون دنبلي، عبدالرزاق، مأثر سلطانيه، با تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، روزنامه ایران، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۵۲.

رفع البینانش مصدق الٰتی لم يخلق مثلها فی البلاد است.^۱

به نوشته او برای ساخت این بنای بزرگ چهارصد هزار تومان از «خزینه عامره» هزینه شده است. تعریف و تمجید از قصر قاجار ظاهراً به مورخان درباری محدود نمی‌شده و شعرانیز در تلاش برای ریودن گوی سبقت از یکدیگر در این باره بوده‌اند، چنان که مؤلف اکسیر التواریخ با تأکید براینکه «شعرای معاصر، هریک در مدح قصر، قصیده‌ای انشاء نموده‌اند» نمونه‌ای از قصاید را در اثرخویش بازتاب داده است:

یا رب این قصریست از جنت به گلزار آمده

یانه گلزار است خود جنت پدیدار آمده

نیلگون دریاچه‌اش بین گرندیدی تا کنون

آسمانی گاه ثابت گاه سیار آمده^۲

قصر قاجار که بر روی تپه‌ای و به شکل آمفی تئاتر ساخته شده بود نمای ساده‌ای از آجر داشت و داخل آن با آئینه‌های قدی، تابلوهای نقاشی، آینه‌کاری، گچ‌بری و اکلیل کاری و درهای منبت کاری تزئین شده بود. وجود چهار برج مراقبت در چهار گوش قصر به آن هیئت یک قلعه نظامی را داده بود و روی آن بالا خانه‌ای داشت که تصویر شاهزادگان قاجار و چهار زن که یکی از آن‌ها غرق در اسلحه بود نقاشی شده بود؛ بالای تپه نیز استخری بزرگ قرار داشت. در منطقه قصر قاجار نهریا رودی که در آن ماهی گیری می‌شد. پایین تپه، اصطبل، زنبورک خانه و نقاره خانه بود.^۳

۱. اعتضادالسلطنه، علی قلی میرزا، اکسیر التواریخ، ویسمان، تهران، ۱۳۷۰، ص ۷۲.
۲. همان.

۳. دانشنامه دانش گستر، مدخل قصر قاجار، مؤسسه علمی و فرهنگی دانش گستر، تهران، ۱۳۸۹، ص ۳۶۱.

قصر قاجار همانگونه که تمامی وقایع نویسان بدان تصریح کرده‌اند محلی بوده است ویژه خوشگذارانی پادشاه و شاهزادگان قاجار، و شاه هنگامی که از گرمای تابستان تهران آزده می‌شد، راهی قصر می‌گردید تا از خنکای هوای شمال تهران در کنار دیگر لوازم عیش و عشرت بهره‌مند گردد. به نوشته یکی از وقایع نگاران «در قصر قاجار، اکثراً واقعات بازیگران سوار می‌شدند و سر سواری می‌زدند و می‌خواندند. رقص‌ها اسب می‌تاختند... می‌گویند بازیگران هر وقت می‌خواستند از عمارت خودشان حرکت کنند های و هوی آن‌ها در عمارت‌های مجاور، بلکه در جایی که دو حیاط فاصله بود قسمی بلند می‌شد که قطع می‌نمودند پادشاه بازیگران را الحضار نموده. معلوم است پنجاه نفر خانم که اقلّاً پنجاه کنیز هم داشتند، یکصد زن همه کارشان منحصر در عیش باشد تا چه وجه قیل و قال خواهند داشت».^۱

قصر قاجار از نگاه جهانگردان

جهانگردانی که در دوره فتحعلی‌شاه و بعد از آن به ایران آمده و از تهران گذشته‌اند، بعض‌آ روایتی از قصر قاجار، که یکی از مهمترین بنای‌های آن روز تهران بوده است، نیز به دست داده‌اند. با نگاهی به این روایات می‌توان به تصویر دقیق‌تری از موقعیت قصر در آن دوران دست یافت.

ژوپر، فرنستاده ناپلئون به دربار فتحعلی‌شاه که در ۱۲۲۱ق (۱۸۰۶م) پایش به تهران رسید، قصر قاجار را که هشت سال از ساخت آن گذشته بود چنین توصیف کرده است:

«قصر قاجار بر فراز تپه‌ای واقع، و بنایی است بسیار زیبا و تمام با آجر

۱. معتمدی، محسن، جغرافیای تاریخی تهران، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹، به نقل از تاریخ عضدی نوشته سلطان احمد میرزا عضدالدوله.

ساخته شده و باغ بسیار وسیعی برآن احاطه دارد. نهرآبی از وسط باغ جاری است که پس از تشکیل حوض‌ها و فواره‌ها در جلگه زیردست، گم می‌شود. عمارت قصر قجر در نهایت جلال و شکوه زینت شده، و نقاشی‌هایی که با کمال ظرافت و دقت در آن شده، زینت افزای آن است. اعلیحضرت، سه ماه اول سال ایرانی که با مارس و آوریل و مه سنت ۱۸۰۶ میلادی مطابقت داشت در این قصر گذراند.^۱

سرهنگ گاسپار دروویل، فرانسوی دیگری است که در اواخر سلطنت فتحعلی‌شاه به تهران آمد. وی در تهران از قصر بازدید کرده و مشاهدات خویش از آنجا را در سفرنامه‌اش چنین ثبت نمود:

«اتاق‌های کاخ با اثاثیه گران‌بها مفروش ولی فاقد زیبایی کاخ دیگر است. جز درهای منبت کاری زیبا چیز جالبی در آن به چشم نمی‌خورد. البته استاد کاران ماهر اروپا نیز این اثر هنرمندانه را مورد تحسین قرار خواهند داد. منبت کاری مزبور به حدی استادانه است که در نظر اول غالباً با نقاشی روی چوب مشتبه می‌شود. شاه از تماشای جویبار که از کوه‌های شمال سرچشمه می‌گیرد و در چشم انداز کاخ به صورت آبشار زیبایی در می‌آید لذت می‌برد. این جویبار به استخر زیبایی می‌رسید و از آب آن برای آبیاری قسمت‌های مختلف باغ استفاده می‌شود.»^۲

جیمز موریه، نماینده سفارت انگلیس هم در سال ۱۲۲۲ق (۱۸۰۷م) ضمن توصیف موقعیت و شرایط پایتخت ایران، قصر قاجار را یکی از دو عمارت بیلاقی سلطنتی مشهور تهران برشمرده است.^۳

۱. ژوبر، مسافرت به ارمنستان و ایران، بی‌جا، بی‌تا، ص ۱۷۸.

۲. معتمدی، محسن، پیشین، ص ۱۰۸؛ به نقل از سفرنامه دروویل، ص ۱۹۲.

۳. تکمیل همایون، ناصر، تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، ج ۱، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷، ص ۸۴.

اما در این میان، دقیق‌ترین توصیف از قصر قاجار به قلم ژی.ام. تانکوانی ثبت شده است. وی عضو و مترجم هیأتی فرانسوی بود که به ریاست ژنرال گاردن از دربار ناپلئون در ۱۲۲۲ق (۱۸۰۷م) به ایران آمدند تا مقدمات اجرای پیمان فین کن اشتاین را فراهم کنند. تانکوانی در خلال این مأموریت مشاهدات خود را در ترکیه و ایران، از آغاز سفر، روز به روز و در ۳۶ نامه پرمحتوا به عنوان بانویی که به شدت مورد احترامش بوده با دقت و تفصیل نوشته است.

نامه شماره ۲۰ او به این موضوعات پرداخته است: نگارستان، قصر قاجار، حرم‌سرای شاه ایران، خرابه‌های ری، قصبه مقدس شاه عبدالعظیم، مذهب ایرانیان، تشییع جنازه و...

در این میان توصیف وی از قصر قاجار خواندنی است. او در مقدمه نامه، پس از اشاره به گردش چند باره در حول و حوش پایتخت و سیر و تماشای آن، از قصد خود برای توصیف آنچه که به نظرش جالب آمده سخن گفته و در ادامه نوشته است:

«آن سوی نگارستان، در فاصله یک لیوونیم در شمال تهران، کاخ سلطنتی قصر قاجار قرار دارد. ما بعد از بازدید نگارستان از این قصر هم دیدن کردیم. قصر قاجار روی زمین پرسنگلاخ و مرتفع، در دامنه کوهی مشرف به دشت تهران، به شکل آمفی تئاتر ساخته شده است.

این بنا که به علت ارتفاعش، از فاصله دور دیده می‌شود، تماماً با آجرهای سفید رنگ ساخته شده است. در ورودی اصلی آن برنزی است. بانوی من، برای اینکه بتوانم داخل آن را به شما بهتر نشان دهم اجازه دهید به طریقی شما را هم همراه خود وارد این قصر کنم:

ابتدا از دهلیز دراز و تاریکی عبور می‌کنیم. بعد از آنکه حمام‌ها را که تماماً پوشیده از سنگ مرمر هستند در سمت چپ گذاشتم، وارد حیاط

وسيعى مى شويم که چنارهای زيبا بر آن سایه انداخته اند. اينجا حرمserا يا جايگاه مخصوص همسران شاه است. غيبت آنان فرصت مناسبی در اختيار ما گذاشته است که باتماشاي اين قسمت ها کنجکاوی خود را ارضا کنيم. جاهايي که جز شاه و خواجه های حرمserا، پاي هيج مردي به آنجا نمى رسد. در شرایطی جزو وضع حاضر، ما مى بايست در مقابل اين گستاخی، بهای سنگيني مى پرداختيم. خانم هاشبها، هر پنج نفر در يك اتاق، تحت نظر محافظان وحشتمناك خود، شب را به صبح مى رسانند. اما روزها مى توانند آزادانه در حياط، دور هم جمع شوند و یا در حمام عمومي بزرگ که به دو بخش مساوي تقسيم مى شود با زن های ديگراز لذت استحمام برخوردار شوند. باني من، ملاحظه مى کنيد که تفريح و سرگرمی خانم هایي که ظاهرآ سعادت همخوايگي با شاه را دارند به چه چيزهای ناچيز کاهش يافته است. من واقعاً تردید دارم که زنان فرانسوی ما، هرگز در زندگی غبطه سرنوشت چنین زنانی را بخورند. اما زنان شاه در مدتی کوتاه به اين زندگی عادت مى کنند...

اتاق های همسران شاه، عاري از جاه و جلالی است که معمولاً رمان نويسان ما به نيري خيال، تصویری از آن را در كتاب های خود ارائه داده اند. اين اتاق ها در واقع حجره های کوچک چهارگوشی هستند که در ته آن، چسبide به دیوار، تخت چوبی ساده ای با تشکی در روی آن گذاشته اند. همه وسائل موجود در اين حجره ها، با سادگی محبيط، جور و متناسب است. در انتهای حياط، دو تالار بزرگ قرار دارد و روی دیوارهای آن پوشide از انواع نقاشی هاست و تصویر چند شاه و چند پهلوان ايراني را بر دیوار کشide اند.

اکنون باني من، وارد حريم مقدسی مى شويم که فقط بندگان فاني خوشبخت اجازه ورود به آنجا را دارند و شاه شاهان، آن گاه از سرعنایت،

گوشه چشمی به صورت آنان می‌اندازد. در این حریم حرم، اغلب، زیبایی بر قدرت پیروز است. اینجا اتاق خواب مخصوص شاه است و اینک وصف کامل آن را برای شما می‌نویسم؛ از پلکان کوچکی که دوازده یا پانزده پله دارد بالا می‌رویم. وارد اتاق می‌شویم و در این اتاق است که تجمل گرایی آسیایی را که با دیدن حجره‌های محقر قبلی از مشاهده آن مأیوس شده بودیم به تمام و کمال می‌توان دید...

اینجا اتاقی است که دارای چندین پنجره رو به حیاط حرم‌سرا و باع است. این اتاق با آینه کاری بسیار هنرمندانه‌ای به تصویر چهار زن، با سبک و چهره‌ای ایرانی مزین شده است. روی سقف و چندین قسمت دیگر اتاق، تعدادی نقش و نگار با ظرافت خاصی نقاشی شده است. اما طراوت و برجستگی رنگ آمیزی بر درخشانی طرح‌ها برتری کامل دارد. از همه دیدنی‌تر، دو در باشکوه منبت کاری شده است که هرنگاهی را به سوی خود می‌کشد. این درها به قصرهای زیبای ما بسی زیبندتر از اینجاست. کاری که روی آن‌ها شده بسیار تماشایی است و به نظر ما این درها از هر دری که تاکنون در ایران دیده‌ایم استدانه‌تر ساخته شده است. از عاج و آبنوس و صدف و چوب‌های قیمتی دیگر در ساختن آن با هنرمندی تمام استفاده شده و دری کامل و بی عیب ساخته شده است. اعتراف می‌کنم که هرگز باور نمی‌کردم که در ایران کسی شایستگی ساختن چنین شاهکاری را داشته باشد. به ما گفتند وقتی شاه به قصر قاجار می‌آید اغلب در کنار پنجره‌های این عمارت می‌ایستد و دستور می‌دهد که زنانش در حوض بزرگ حرم‌سرا مشغول آب تنی شوند و از تماشای این صحنه بسیار لذت می‌برد.

در پایین قصر، در طرف مقابل حرم‌سرا، مهتابی شاعرانه‌ای تعابیه شده است و نهری آبشار مانند از زیریک گنبد تاباغ‌ها سرازیر می‌شود. از پلکان رو بازی با شیب تند به مهتابی دوم و بعد به مهتابی سوم پایین می‌آییم و آنجا

به کلاه فرنگی زیبایی می‌رسیم که درون آن رانقاشی‌ها و تصویرها آراسته‌اند. در این کلاه فرنگی، بانوی من، یک ساعت توقف می‌کنیم و بعد سرمیزناهار که به دستور شاه آماده شده است حاضر می‌شویم.

از پشت پنجره‌های این کلاه فرنگی، سرتاسر دشت تهران، باغ‌های قصر قاجار، و در فاصله نزدیک ترجایگاه وسیعی پرازآب نمایان است. در این جایگاه، شاه با سوگلی‌های خود سوار بر قایق روی آب گشته می‌زند. پس از صرف ناهار از کلاه فرنگی خارج می‌شویم و آخرین پلکان ما را به باغ‌ها هدایت می‌کند. این باغ‌ها چندان بزرگ نیستند، اما خوب به آن‌ها می‌رسند. تعداد زیادی درختان میوه در آنها کاشته شده است. نهری آبشار وار، از بالاترین مهتابی، در سطح مسطح به پایین سرازیر می‌شود و پس از طی مسافتی به همان شکل و ترتیب نگارستان، اما در مساحتی وسیع تراز منبع آب مرمرین عبور می‌کند. سرتاسر قصرو تمامی ملحقات آن با دیوارهای گلی محصور شده و چندین برج در اطراف آن سربرا فراشته است. از طریق چهار در رودی می‌توان وارد این قصر شدو در بالای هر در کوشکی پیش‌بینی شده است.^۱

قصر در عصر محمد شاه

قصر قاجار در دوره محمد شاه با آنکه هنوز سرپا بود و مورد استفاده قرار می‌گرفت اما به تدریج از دایره توجه شخص شاه خارج شد و پادشاه ترجیح داد بنایی اختصاصی برای خویش در دامنه‌های البرز در شمال تهران برپا دارد.

۱. تانکوانی، ژی. ام، نامه‌هایی درباره ایران و ترکیه آسیا، ترجمه علی اصغر سعیدی، نشر چشم، تهران، ۱۳۸۳، صص ۲۱۳-۲۱۶.